

نیما یوشیج

از افسانه تا واقعیت



احمد شه وری

روی جلد: طرح سیمای نیما از زنده یاد مرتضی ممیز

سرشناسه:	شه‌وری، احمد، ۱۳۲۴-
عنوان و نام پدیدآور:	نیمایوشیج از افسانه تا واقعیت / پدیدآورنده احمد شه‌وری.
مشخصات نشر:	تهران: احمد شه‌وری، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری:	۵۵۲ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۷۵۲۳-۹
وضعیت فهرست نویسی:	فیفا
یادداشت:	کتابنامه.
موضوع:	نیمایوشیج، ۱۲۷۴ - ۱۳۳۸. -- سرگذشتنامه
موضوع:	نیمایوشیج، ۱۲۷۴ - ۱۳۳۸.
موضوع:	Yushij, Nima
موضوع:	ش. ف. رسی -- قرن ۱۴
موضوع:	۲۰th century Persian poetry
رده بندی کنگره:	۸۴۰ PIR / ۸۰۹ ش. ۹۰۹ ۱۳۹۶
رده بندی دیویی:	۸۱۶۲۱۸
شماره کتابشناسی ملی:	۴۶۹۵۶۶۴

شناسنامه کتاب

نام کتاب:	نیمایوشیج از افسانه تا واقعیت
پدیدآورنده:	احمد شه‌وری
صفحه بندی و طراحی جلد:	احمد شه‌وری
سال انتشار:	۱۳۹۶
شمارگان:	۳۰۰
ناشر:	مؤلف
چاپ:	اول
محل نشر:	تهران
تلفن های پخش:	۲۲۲۳۲۳۶۶ و ۲۲۶۹۴۹۹۸ و ۸۸۸۵۱۰۴۱
تلفکس:	۲۶۴۵۷۲۳۴
تلفن های همراه:	۰۹۹۰۹۶۶۷۳۴۵ و ۰۹۰۱۲۹۰۴۴۹۰
قیمت:	۶۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	پیشگفتار
۹	زندگینامه نیما یوشیج
۲۵	خانواده
۴۵	نیما و همسرش
۷۱	نیما و شراکیم فرزندان
۷۳	بستگان نیما
۸۷	دوستان نیما
۹۱	شخصیت نیما
۱۱۹	ساحت شاعری نیم
۱۲۱	مفهوم شعر از نظر نیما یوشیج
۱۲۷	نیمای شاعر
۱۳۱	شعر نیمایی و تحول اجتماعی در ایران
۱۳۳	نیمای شاعر در بوته نقد
۱۷۱	نیمای نویسنده
۱۷۷	نثر شعرگون نیما
۱۸۷	مفهوم زندگی از نظر نیما
۱۹۳	نیما و اجتماع
۱۹۵	طبیعت شیفستگی
۲۰۹	توهّمات نیما
۲۱۳	نیما؛ معلم اخلاق
۲۱۵	نیما؛ آموزگار رهروان جوان خویش
۲۲۱	زندگی سیاسی نیما
۲۲۵	ناکامی نیما
۲۲۹	یاد گذشته
۲۳۱	علاقمندی نیما به خطه ی شمال
۲۴۳	واپسین روزهای نیما

۲۴۵	آخرین سفر نیما به یوش
۲۴۹	درگذشت نیما
۲۵۷	رهروان نیما
۲۶۱	یادداشت‌ها
۲۶۵	آثار نیما یوشیج
۲۶۷	فرهنگ اشعار نیما
۵۲۷	منابع و مأخذ
۵۳۱	منبع‌شناسی نیما
۵۳۵	نویسنده کتاب
۵۴۳	سالشمار زندگی نیما
۵۴۵	واژه‌نامه طبری اشعار نیما

پیشگفتار

نوشتن در باره شعر نیمایی، که بسیاری آن را از شعر نو، متفاوت می دانند، قدری دشوار است. از این روی که شعر نیما از نظر سبک و محتوی از آغاز نشئت گرفتن تا درگذشت نیما در سال ۱۳۳۸ شاهد تحول و تغییر بسیاری بوده است. نیما اولین شعر خود را پیش از سال ۱۳۰۰ سرود قصه ی رنگ پریده، خون سرد؛ شعری بلندی که به سبب شباهتهای هایش با شعر سنتی برخی آن را مثنوی خوانده اند، حال آنکه اطلاق این نوع عناوین به شعر نو با منطق پایه گذاران و پیروان مکتب شعر نو در تضاد است. زیرا اینها، و بویژه شخص نیما، در اساس رسالت خود را در بریدن از شعر سنتی می دیدند، گو اینکه خود نیما بعدها به نابجایی شیوه دست برداشتن بر سینه ی شعر سنتی بطور مطلق، در جایی که شعر رنگی پُر و غلیظ در ادبیات دارد، منتقد شد.

به هر روی نیما پس از آنکه چندین شعر طولانی با رعایت وزن در فاصله سالهای ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۷ می سراید شروع می کند به تمرین و مشق شعر کردن در قالب سنتی و نوشتن و تحقیق در باره ادبیات بقیع خودش ولایتی تا اینکه سرانجام شهریور ۱۳۲۰ فرا می رسد و او هم مغری برای آزمایش محدود طبع شعر خود در قالب شعر نو می یابد، منتها شکل و قالب بندی شعرهای این دوره نیما با شکل و قالب بندی اشعار اولیه او متفاوت است.

نیما در یک نقد بیطرفانه در باره ساختن درخت تنومند ادبیات فارسی، خلاف آنچه که مخالفانش گفته و می گویند، نقش مهدی این کار را است. شاید اگر مطالعات او در باره ادبیات ولایتی مفقود نمی شد و در دسترس می بود ضارر ما در باره اثر و کار او امروز بسیار آسانتر می بود. زیرا با در دست نبودن این اثر، قضاوت ما بر مورد تاثیر گذاری نیما بر روی ادبیات ایران محدود می شود به بررسی شعرهایی که سبک و آنچه بصورت نامه و سفرنامه و چند اثر منثور بصورت داستان و نمایشنامه از او بجای مانده است.

شعرهای نیما هم از نظر محتوا و هم از نظر شکل جایی خاص در ادبیات ایران دارند ضمن اینکه بُرد کار نیما با کار بسیاری از شاعران سنتی ما قابل مقایسه نیست. زمانی مرحوم ملک الشعرا بهار با اشاره به یکی از اشعار شادروان پروین اعتصامی گفته بود که اگر پروین فقط همین یک شعر را هم سروده بود، شاعر بزرگی بود. و زمانی زنده یاد محمد علی فروغی در معرفی شیخ اجل سعدی گفته بود که اگر در ایران شاعران دیگر نمی بودند و ایران تنها سعدی را می داشت، باز جایگاه والایی در ادبیات جهان احراز می کرد. و قضاوت در باره نیما بر اساس آنچه از او در دست است ما را بر آن نمی دارد که در باره او چنین

قضاوت مشابه ای داشته باشیم و حکم همانندی دهیم. زیرا شعر نو بی حضور نیما هم در ایران بلحاظ گسترش ارتباطات به هر روی مطرح و جایی را پیدا می کرد. می دانیم که شعر در همه جا تا قرن نوزدهم به عبارات موزون و مقفی که با یکدیگر ارتباط ساختاری، از نظر رعایت عروض و معنا داشتند اطلاق می شد و در قرن نوزدهم در فرانسه و انگلیس، شاعرانی از این قاعده عدول کردند و نیما بلحاظ آشنایی اش با زبان فرانسه از این نوآوری مطلع و تلاش کرد که آن را در مورد ایران بکار گیرد و برغم مخالفت بسیاری موفق هم شد. البته نمی توان او را نه با پروین اعتصامی و نه با سعدی مقایسه کرد. بواقع قیاس مع الفارق است، زیرا مکتب و طرز کار و بینش نیما با بینش هر دوی اینها در اصل متفاوت است. از این گذشته، نه بیشتر از دریاچه باریک قومی و ایلاتی، آنهم در محدوده مازندران و تا حدی گیلان، به ادبیات و فرهنگ ایران توجه داشت، حال آنکه سعدی در ورایی ماورای ایران و ایرانی سیر و سلوکی کرد. اگر این گونه نمی بود شهرت او در زمان خودش به چین نمی رسید تا ملاحان چینی شعر او را بخوانند و یا حافظ که او هم چنین بود و حوزه وسیع زبان فارسی را که در زمان او به دنبال می رسید، هدف گرفته بود و یا مولانا جهانی را مخاطب خود می شناخت و فارغ از هر نوع تمسک گرایی فرقه ای و مذهبی سخن می گفت و غزل می سرود. اما نیما کار خودش را می کرد، به بسیار دقت نظر داشت و مطالعات وسیعی در زمینه شعر و ادب پیش از خود در طول سالیان دراز بعمل آورده بود ولی در خلق آثارش توجهی به آنچه دیگران گفته اند و نوشته اند نداشت. تنها به توسعه و تکمیل آنچه که در تصورش صحیح و خوب و مناسب روزگار خودش می آمد، می اندیشید که بسیار خوب هم هست؛ تخصصی کار کردن. این تخصصی شدن امور زاینده تحولات عجیب و بی سابقه سده اخیر است. در گذشته حکیم و طبیب به کسی اطلاق می شد که همه ناخوشی ها و علل آنها را می شناخت، امروز بسیاری صرف وقت فراوان می کنند تا بعنوان مثال آنها در مورد طرز کار یک غده خاص متخصص شوند. و نیما با پشتکاری کم نظیر در پهنه ی ذوق و اندیشه خود قلم زد و تمسخر و ریشخند بسیاری از طرفداران شعر و ادب سنتی ایران را بر خود و کارش نادیده گرفت و در ثمربخش و مفید بودن تلاشش کمترین تردیدی بخود راه نداد و موفق هم شد. زیرا همانطور که او بدرستی تشخیص داده بود، تغییر ساختار شعر فارسی با توجه به تحولاتی که در شعر کلاسیک اروپایی بوجود آمده بود یک بایست بود؛ امری محتوم که تنها قدری شناخت و مطالعه برای تشخیص آن لازم بود و این را نیما در کالج سن لویی آموخته بود. بسیاری بر او ایراد گرفتند که نوشته هایش در مواردی کثیر برغم دستکاریهای متعدد فاقد نظم دستوری درستی است؛ همان ایراداتی که به صادق هدایت هم می گرفتند،

که البته درست هم می گفتند. ولی سازمان اسناد ملی ایران که دو سفر نامه وی را چاپ کرده است، تصویری از برخی از اوراق کار او را هم ضمیمه کرده است تا نشان دهد که چه اندازه اهتمام بخرج داده شده تا این نوشته ها صورت حاضر را به خود گرفته است. یادداشتهای نیما سراسر مخطوط و باز نویسی شده و مغلوط اند. ویرایشگر در بسیاری از سطور مطلب را کامل نیاورده؛ یا بدین سبب که کلمه و کلماتی ناخوانا بوده و یا اینکه نویسنده حرمت دیگران را رعایت نکرده بوده که البته هیچیک زبینه نویسنده و شاعری چون نیما نیست. شاید هم بهمین دلیل است که فرزند او، شراگیم نیما، کار پژوهشگره سازمان اسناد ملی ایران را یک کار فضولی می خواند زیرا در اساس معلوماتی که این دو سفرنامه راجع به 'ار فروش [ابا] و رشت به خواننده منتقل می سازند، در مقابل کل کتاب و کاری که برای ندوین آن شده، ناچیز است و این احتمال می رود که خود نیما با توجه به این موضوع قصد آن را نداشته که آنها را چاپ کند. ولی مرحوم طاهباز این دستنویسها را که نزد او بوده به سازمان اسناد ملی ایران تحویل می دهد و سازمان پس از فوت مرحوم سیروس طاهباز از فرصتی برای انتشار این اسناد استفاده می کند.

در مورد شعر نیما نیز حدس و گمان چنین است: برخی از اشعاری که وی سروده بسیار شخصی هستند. یک خواننده نمی تواند آنرا بخواند یا بفهمد که نیما چه می گوید که نبود بعضی از آنها نمی توانست برای ادبیات ایران ثبت آثرین باشد. نمی توان گفت که اگر غزلیات حافظ و کلیات سعدی و منظومه های نظامی و رباعیات خیام و شاهنامه فردوسی و مثنوی و معنوی مولانا هم نمی بود آب از آب تکان نمی خورد. این مقایسه صحیح نیست. غزلیات حافظ دارای آن چنان محتوایی است که هفت قرن است راجع به آن تحلیل علمی و ادبی ارائه می شود. هزاران نفر رساله های علمی خود را با بررسی آنها روی یکی از صدها مؤلفه غزلیات حافظ تهیه کرده اند. شاهنامه فردوسی خود کتاب مرجع بسیاری از فرهنگ نویسان ما بوده است و کمتر سطری از این کتاب سترگ است که نکته و نکته ای برای گفتن نداشته باشد و آن را بشود زائد دانست. اگر منتقد تیز بینی همانند شادروان علی دشتی غزلیات حافظ را بررسی کند، نمی تواند حکم به زائد بودن حتی پنجاه بیت از مجموع غزلهای اصیل حافظ کند. آثار نظامی و منوچهری نه تنها از نظر شعر بلکه از نظر احاطه شاعر به علم و ادب فراگیر ایران قابل تأمل و بررسی است. رباعیات عمر خیام، با اینکه در اصل کمتر از ۱۰۰ رباعی اصیل اند، در دل میلیونها نفر از ادب دوستان در جهان از قاهره تا لندن و واشنگتن، جای گرفته اند. مولانا قلب میلیونها انسان را با احاطه اش بر علم و ادب ایران و روانی اشعار و معانی بی بدیل، در سراسر جهان تسخیر کرده است. از این روی نمی

توان گفت که اگر آثار یکی از این بزرگان و یا بخشی از آثار آنها هم نمی بود، در ادبیات ایران تاثیر گذار نمی بود.

با این وجود، باید اذعان داشت که شادروان نیما یوشیج در زندگی خود با پشتکار قابل ستایشی در قلمرو ادبیات و شعر قلم زد؛ عمری را بر سر این کار گذاشت و دستاورد بسیار خوبی هم داشت. در این راه شانس تا حد زیادی رفیق راهش بود. شاید اگر بخشی از افسانه او در همان آغاز کارش در روزنامه قرن بیستم مرحوم میرزاده عشقی، که در زمان خود خوانندگان بسیاری داشت، چاپ نمی شد، سالها طول می کشید تا نیما بعنوان شاعر شناخته شود. البته باید دانست که خود مرحوم عشقی از پیشروان شعر نو در ایران است که این بخش از شخصیت وی تاکنون بدرستی مورد تحلیل قرار نگرفته است.

در مجموع باید گفت که نیما تحت تاثیر شاعران فرانسه بود که شعر را در قالبی نو عرضه کرده بودند. روش سکو که با ادبیات ایران آشنا بوده است تاثیر پذیری نیما را از شاعران فرانسه مورد بررسی قرار داده است. سوای این تاثیر پذیری، نیما در بخش اعظم کارهای خود تحت تاثیر زندگی در روستایی و آنچه در ایام طفولیتش در ۱۲ سال اول زندگی در یوش گذرانده، بوده است. یاد گذشته و خاطرات او از آن ایام بنوعی در بیشتر اشعار او خود را نشان داده و آنها را می ساخته اند. البته هستند شعرهایی هم که مبتنی هستند بر مطالعات اینجا و آنجای نیما در مورد اشخاص تاریخی و یا معاصر او، مانند شعر «میر داماد» و «عبدالله طاهر و کنیزک» «خواجۀ احمد حسن میمندی» و «به رسام ارژنگی». برخی از اشعار او هم مبتنی هستند بر داستانهای عامیانه و فولکلوریک ایران؛ نظیر «انگاسی»، «بز ملاحسن» و «کچبی». و برخی از اشعارش با توجه به رویداد های خاصی سروده شده اند، مانند «سرباز فولادین» که تحت تاثیر اعدام سم ننگ احمد خان پولادین، رئیس گارد رضا شاه، سروده شده اند.

و بالاخره برخی از اشعار او بی مناسبت طولانی است مانند شعرهای «افسانه» (۱) و (۲)، «خانواده سرباز»، «سرباز فولادین»، «شهید گمنام»، «شیر»، «قصه ی رنگ پریده، خون سرد»، «کار شب پا»، «مادری و پسری»، و تا حدی «یادگار».

احمد شه وری

۱۰ خرداد ۱۳۹۶